

خاورشناسان و استادان تاریخ علم دربارهٔ اصول قضایای علمی طب قدیم و تفسیر نظرات و معتقدات قدما، تحقیق کرده اند ولی موفق به تطبیق دانش مزاج شناسی با علم روز نشده و شرح و تفسیر آن را در نوشته های خود ناتمام گذاشته اند.

در اواخر قرن نوزدهم میلادی دشامبر (دانشمند و محقق فرانسوی)، در دائرةالمعارف صد جلدی پزشکی مقالهٔ مفصلی تحت عنوان «مزاج» نوشت.

در این مقاله دشامبر فقط مزاج های دموی، بلغمی، صفراوی و سوداوی را که فهم آن سهل و آسان بوده مورد بحث قرار داده و در خصوص مزاجهای گرم و سرد و تر و خشک که فهم و تفسیر آن ها مشکل بوده، چیزی ننوشته است.

در واقع، موضوعی را که اساس طب قدیم بر آن استوار می باشد، مسکوت گذاشته است. نظام معرفتی طب سنتی بر این اساس پی ریزی شده که بیماری در اثر به هم خوردن تعادل اخلاط اربعه یعنی صفرا و دم و بلغم و سودا به وجود می آید.

ایده عناصر چهارگانه آب و باد و خاک و آتش و اینکه رماتیسم غلبه بلغم در پاست و کابوس شبانه، غلبه سودا در سر، هیچ مبنای تجربی ندارد و مبتنی بر یک دیدگاه فلسفی است.